176030 ـ چون از سختی‌های تربیت فرزند آگاه شده از ازدواج می‌ترسد

سوال

من در مورد ازدواج مشکلی دارم. سنم به بیست و نه سال رسیده و هنوز ازدواج نکرده‌ام با وجود آنکه شاغلم و توانایی تشکیل خانواده دارم اما وقتی دربارهٔ مشکلات ازدواج و تربیت فرزندان و سختی‌اش می‌شنوم یا داستان‌هایی دربارهٔ بدرفتاری فرزندان با پدرها و مادرها و این دست مشکلات می‌شنوم و می‌خوانم از ازدواج پا پس می‌کشم. با این که خودم ان شاءالله از کسانی هستم که در حق پدر و مادرشان نیک هستند و این را از دعای پدر و مادرم در حق خودم می‌دانم و همینطور حرف پدرم که به من گفت از من راضی است و خدا را شکر که فرزندی مثل تو را به من داده. پدر و مادرم دوست دارند که ازدواج کنم اما هر بار تصمیم به ازدواج می‌گیرم به شدت می‌ترسم و با حال مجردی راحت‌ترم اما به پدر و مادرم فکر می‌کنم که دوست دارند با ازدواج من شاد شوند. من از این دنیایم جز دو چیز نمی‌خواهم: اول اینکه چطور نمازهایم را سر وقت بخوانم و دوم اینکه در حق پدر و مادرم نیکوکار باشم.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

یکی از لغزشگاه‌های شیطان که از طریقش برخی از مردم را گرفتار می‌کند این است که او از ترس واقع شدن در باطل، حق را رها سازد و برای دوری از رذیلت، فضیلت را نخواهد و برای نیفتادن در شر از خیر دوری کند که این نوعی از وسواس است و شیطان از طریق آن می‌خواهد انسان را به این عنوان که بسیاری هلاک شده‌اند از ترقی در پله‌های سلوک و پیشرفت در کار و تلاش باز بدارد، حال آنکه پروردگار متعال اعمال ما را می‌پذیرد و از تقصیرات ما در می‌گذرد.

توصیهٔ ما به شما این است که توجهی به نمونه‌های شکست خورده در تربیت فرزند نکنید تا این تصویر بر ذهن شما تسلط نیابد که دیگر نتوانید از آن رهایی یابید. بلکه با درونی آرام و خوش‌بین به زندگی‌ات بپرداز همانند پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ که خوش‌بینی را دوست داشت و بشارت به رخ دادن خیر در این دنیا را می‌پسندید و روش ایشان ـ صلی الله علیه وسلم ـ بهترین و کامل‌ترین راه و روش است. ایشان ازدواج کردند و صاحب فرزند شدند و با سختی‌های زندگی زناشویی و تربیت فرزند روبرو شدند و این برای انسان بهتر است و اجری بیشتر از این دارد که از ازدواج دوری کند. شما نیز با روش ایشان ـ علیه الصلاة والسلام ـ مخالفت نکنید.

برای آنکه در تربیت فرزند تلاش کنید و روش‌های تربیت درست را بدانید در این زمینه بسیار مطالعه کنید تا کارتان از روی بینش و بصیرت باشد چرا که اگر بتوانید خانواده‌ای صالح تشکیل دهید و نسل‌هایی دانش آموخته و تربیت شده به اخلاق

نبوت به وجود آورید پیروزی بزرگی را به دست آورده‌اید و صدقه‌ای جاریه نصیب شما شده که پس از مرگ نیز از آن بهره خواهید برد. از عائشه ـ رضی الله عنها ـ روایت است که زنی با دو دخترش برای نیازشان به نزدم آمدند اما من جز یک دانه خرما چیزی نداشتم، پس همان را به آنها دادم. او خرما را به دو نیم کرد و به دخترانش داد و خود چیزی نخورد و سپس برخاست و رفت. سپس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ نزد ما آمد و او را باخبر ساختم. فرمود: هر کس با داشتن دختران آزمایش شد برایش مانعی در برابر آتش دوزخ خواهند شد به روایت بخاری (۱۴۱۸) و مسلم (۲۶۲۹).

از عقبة بن عامر ـ رضی الله عنه ـ روایت است که گفت: شنیدم رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ می‌فرمود: هر که سه دختر داشته باشد و بر آنان صبر پیشه سازد و از تلاش خود به آنان غذا و آب و لباسشان دهد، برای او در قیامت مانعی در برابر آتش خواهند بود به روایت ابن ماجه (۳۶۶۹) و آلبانی در صحیح ابن ماجه آن را صحیح دانسته است.

حافظ عراقی ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «منظور از نیکی کردن در حق آنان حفظشان و انجام آنچه به سود آنها از جمله نفقه و پوشاک و دیگر موارد و نظر در آنچه بیشتر به سودشان می‌باشد و آموزش آنان و تربیتشان و دور ساختن آنان از آنچه شایسته‌شان نیست می‌باشد که همهٔ اینها از جملهٔ احسان است حتی اگر با تندی یا تنبیه ـ در صورت ضرورت ـ همراه باشد و شایسته است که انسان در همهٔ اینها نیت خود را خالص گرداند و قصدش خشنودی پروردگار تعالی باشد زیرا کارها به نیت‌ها بستگی دارد و از کمال احسان است که نسبت به آنان ناخرسندی و نگرانی و بدی و سنگینی از خود بروز ندهد زیرا این باعث کدورت این احسان می‌شود.

و این سخن که برایش مانعی در برابر آتش خواهند بود یعنی سبب این خواهند شد که الله او را از آتش دوزخ دور گرداند و از داخل شدن به آتش حفظ کند و شکی در این نیست که هر کس وارد آتش نشود وارد بهشت می‌شود زیرا منزلگاهی جز این دو نیست و روایتی که مسلم آورده دال بر همین معناست که خداوند بهشت را بر او واجب می‌سازد.

در اینجا به صورت ویژه از دختران نام برده شده زیرا آنان ضعیف‌ترند و استقلال کمتری دارند و نیازمند محافظت و توجه بیشترند و همینطور بسیاری از مردم نادانسته از داشتن دختر ناراحت می‌شوند، به خلاف پسران که در بسیاری موارد برعکس دختران هستند.

و البته ممکن است این لفظ به خاطر حادثهٔ خاصی که حدیث برایش گفته شده آمده باشد نه اینکه خاص دختران باشد و در این صورت پسران هم در این وعده داخلند» (طرح التثریب: ۷/ ۶۷).

برای مطالعهٔ بیشتر به پاسخ سوال (82968) و پاسخ سوال (82968) مراجعه نمایید.

والله اعلم.